آینه

اعتماد

هفتم اسفند به سه روایت

● **عباس عبدی:** این مشکل اصولگراها یعنی نداشتن نیروی فصل‌الخطاب چند دلیل دارد؛ یکی این است که آنان مدعی‌اند فصل‌الخطاب جناح متبوعشان رهبری است و لذا عملا نقش خود را بلاموضوع می‌کنند. رهبری که نمی‌توانند در این نوع قضایا وارد شوند بنابراین اصولگرایان عملا از خود سلب اختیار می‌کنند. مشکل اصلی‌تر آنها این است که با بدنه جامعه خود ارتباطی ندارند. یعنی اگر دقت کنید چه در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ و چه انتخابات اخیر در اسفند ۹۴، عده‌ای در اتاقی نشسته‌اند و با هم تصمیم می‌گیرند که یک نامزد یا لیست را بیرون بدهند. اما در بدنه اصلاح‌طلبان قضیه به این شکل نبود که بدون لحاظ ذهنیت‌هایی که در عرصه عمومی اصلاح‌طلبان وجود داردف می‌توان لیست داد. بنابراین آنچه فصل‌الخطاب درست می‌کند یا مطالبات این بدنه است که تا حد زیادی در عملکرد اصلاح‌طلبان منعکس می‌شود یا باید یک کسی خیلی قدرتمند باشد و حرف آخر را بزند. من دو یا سه ماه قبل از انتخابات ۹۲ نیز یک مصاحبه با یک نشریه اصولگرا داشتم و گفتم که هیچ‌کدام از این سه نفر (حداد- ولایتی و قالیباف) به نفع یکدیگر کنار نخواهند رفت. در نهایت هم دیدید که یک نفر کنار رفت اما نه به نفع آن دو نفر. وحدت سیاسی و اجتماعی یک مقدار پیچیدگی‌های خود را دارد و ما نمی‌توانیم آن را تقلیل دهیم به خصوصیات فردی افراد، هرچند آن هم مهم باشد. اما درباره اصلاح‌طلبان، وقتی یک نیرو تحت فشار قرار می‌گیرد همیشه دو واکنش می‌تواند از خود نشان دهد یا از هم فروبپاشد مثل نیروهایی که شکست می‌خورند و با هم برخوردهای تندی نیز می‌کنند... به نظر من در انتخابات اخیر، فشاری که به اصلاح‌طلبان وارد شد و ردصلاحیت‌ها، آنها را بیشتر متحد کرد و حتی آنهایی که ردصلاحیت شدند با انگیزه بیشتری پای کار ایستادند تا از بقیه دفاع کنند. دیدند اگر با این شرایط کنار بکشند به نوعی کارکرد ردصلاحیت را تأیید کرده‌اند. به این نتیجه رسیدند که تنها راهی که می‌توانیم نشان دهیم ردصلاحیت بی‌فایده است این است، که همه پای کار بایستند.

ایران

آشتی ملی؛ استراتژی انکارناپذیر

سیدرضا صالحی امیری: اکنون که بهار طبیعت با بهار رازونیاز و عبادت و ماه‌های سرشار از فضیلت قرین گشته و در موسم گل، اعتدال بهاری، زمین را موزون و متوازن کرده، بهتر است آنان که مقابل دولت و در واقع روبه‌روی ملت صف کشیده‌اند، دست از این رفتار غیرمنصفانه و دور از اخلاق خود بردارند و به صف ملت بپیوندند. ما امروز بیش از هر زمان دیگری به انسجام و وفاق ملی نیاز داریم تا با همدلی و هم‌زبانی همه دستگاه‌ها و پشتیبانی آحاد ملت، از فرصت تکرارناپذیر پسابرجام برای توسعه و پیشرفت کشور استفاده و با آشتی ملی و رفع کدورت‌ها، امید جامعه را دوچندان کنیم. جوانان این مرزوبوم تشنه ندای صلح و دوستی از تریبون‌های رسمی کشور و چشیدن طعم شیرین ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی و آموزه‌های دینی هستند.

رسالت

جریان‌شناسی سیاسی ایران پس از انقلاب

سیدعبدالله متولیان: واقعیت این است که هرگاه جریان ضدانقلابی بر اریکه قدرت تکیه زده است، بلافاصله جریان غیرانقلابی نیز آنان را در میدان عمل همراهی کرده است و ردپای همراهی جریان غیرانقلابی با جریان ضدانقلابی در تمامی فتنه‌های گذشته نظام به خوبی مشهود است. از مهم‌ترین ویژگی این جریان بی‌هویت فکری، لجاجت غیرقابل‌توجیه آنها در حمایت از سران فتنه‌های مختلف به‌ویژه فتنه ۸۸ است به گونه‌ای که برخلاف مشی سیاسی تمامی احزاب سیاسی در سطح جهان و آموزه‌های علمی افرادی نظیر موریس دوورژه گویی ماهیت و هویت خود را از این افراد اقتباس کرده و بدون سران فتنه‌گر هیچ هویت مستقل و قابل دفاعی از خود ندارند. قرائن و شواهد بسیاری نشان می‌دهد که در موج سوم براندازی جمهوری اسلامی ایران موسوم به پروژه ۲۰۲۰ مانند گذشته دو جریان غیرانقلابی و ضدانقلابی مجددا با هم پیوند خورده و با واردکردن اتهام‌های ناروا مانند اتهام تندروی به جریان انقلابی زمینه را برای دوقطبی‌سازی‌های کاذب و دروغین در جامعه فراهم نموده و از اواخر سال جاری فازهای عملیاتی موج سوم براندازی کلید خواهد خورد. نکته کلیدی و مهم اینکه در انتخابات هفت اسفند ۹۴ بخشی از پروژه ارتباطی نسیم ۲ در راستای سازماندهی افراد خاکستری برای ایفای نقش در مسیر موج سوم به صورت آزمایشی به‌کار گرفته شد و با توجه به نتایج مثبت آن قرار شده است در انتخابات آینده هفت میلیون نفر تحت طرح نسیم۳ بدون سیم کارت و بدون امکان فیلترکردن توسط نهادهای امنیتی به فعالیت پرداخته و دستورات شبکه هرمی کودتاچیان و براندازان را موبه‌مو اجرا کنند. اخبار بسیاری نشان می دهد که از هم‌اکنون در اردوگاه مشترک دو جریان فکری غیرانقلابی و ضدانقلابی، ستادی برای تولید محتوی جهت استفاده در طرح نسیم۳ تشکیل شده است.

میرمحمود موسوی، از چالش‌های دیپلماسی ایران در منطقه می‌گوید:

امید زیاد باعث نشود از واقعیت‌ها دور شویم

عکس: محمد موبیدی

زینب اسماعیلی

گرداگرد ایران را غلاف پیچیده‌ای فراگرفته است، در یک‌سو منطقه و بحران‌های فوق‌پیچیده خاورمیانه قرار دارد و در دیگرسو، شبه‌قاره هند و آسیای‌شرقی که تنوع بازیگران، شرایطش را پیچیده‌تر می‌کند. دراین‌بین ایران ناگزیر کنشگری فعال است، چه آنکه اگر حضور در هر یک از این عرصه‌ها را به‌حال خود وانهد، بازیگران دیگری هستند که با ایفای نقش پررنگ، بازگشت به عرصه را سخت‌وسخت‌تر کنند. در سال‌های دولت نهم و دهم از ایفای نقش فعال در برخی حوزه‌ها غفلت شد که کار دیپلماسی را برای دولتمردان امروز سخت‌تر کرده است. در گفت‌وگو با میرمحمود موسوی به دو حوزه پرداختیم؛ ترکیه و پاکستان. اولی به بهانه سفر وزیر خارجه ایران به آنکارا و سفر همتایش به رامسر و پاکستان به بهانه سفر رئیس‌جمهوری به اسلام‌آباد در تعطیلات نوروز. میرمحمود موسوی که در هر دو حوزه سابقه و تجربه کار دارد، این ارتباط‌ها را مثبت ارزیابی می‌کند درحالی‌که بهترشدن رابطه در حوزه منطقه؛ چه خاورمیانه و چه شبه‌قاره را الزامی می‌داند.

در دوسال گذشته رابطه ایران و ترکیه حرکتی لاک‌پشتی داشت، اما در یک‌ماهه اخیر گویا تحولاتی در حال وقوع است. آقای ظریف قبل از تعطیلات نوروز سفری به استانبول و ملاقات‌های خوبی داشت و هفته گذشته هم وزیر خارجه ترکیه برای نشست سه‌جانبه به رامسر رفت. آیا به‌یک‌باره تحولی در رابطه دو کشور رخ داده و تکان مثبتی خورده است یا از نظر شما فضا تغییر چندانی نکرده؟

تصور من این است که در مقایسه با گذشته در رابطه ایران و ترکیه علائم مثبتی دیده می‌شود. مسئله این است که این علائم تا چه اندازه اهمیت دارد یا امیدوارکننده است؟ اجازه بدهید امیدوار باشیم که این علائم و همکاری‌ها بیشتر شود اما اجازه بدهید که امید زیاد باعث نشود از واقعیت‌ها دور شویم. ایران و ترکیه در مورد خاورمیانه تفاوت دیدگاه داشته و دارند. ایران و ترکیه بر سر مسائلی که در منطقه وجود دارد تفاوت منافع دارند. همچنین این دو کشور در حوزه‌هایی رقابت‌هایی داشته، دارند و خواهند داشت که واقعیت قضیه است، گاهی اوقات این رقابت‌ها به‌دلیل افزایش تشنج و بالاگرفتن بحران حادتر و شدیدتر می‌شود و افراد غیرمسئول هیمه زیر آتش می‌ریزند و روابط را مخدوش می‌کنند. اگر در کنار این تفاوت دیدگاه‌ها و اختلاف‌ها ما به وجه دیگر قضیه دقت کنیم می‌بینیم که ما با ترکیه مثل سایر کشورهای همسایه، حوزه‌های منافع مشترک هم داریم که اهمیت آن بسیار زیاد است و با وجود تغییر حکومت‌ها در ایران و ترکیه در ۵۰ سال گذشته دو کشور رابطه خوبی داشتند و درمجموع، رابطه، رابطه دوستانه‌ای محسوب می‌شود. در شرایط حاضر از هیچ فردی پنهان نیست اتفاقاتی در سوریه، عراق و یمن افتاده که اتفاقات بسیار مهمی است. اگر تعداد کشته‌ها و جابه‌جایی‌ها و همچنین ظهور داعش را در نظر بگیریم و به‌نوعی شکل‌گرفتن دوقطبی در این منطقه و به تعبیری ظهور جدید روس را می‌بینیم و در کنار آن شکل‌گیری شیعه و سنی را و زخم‌هایی مثل ایجاد اسرائیل و... . اینها را اگر در نظر بگیریم، منطقه پر از مسئله و مشکل و نیازمند مدیریت دقیق است. مثل رانندگی در جاده‌ای است که دست‌اندازهای زیاد و کشنده‌ای دارد، برخلاف روابط بعضی از کشورهای دنیا یا بعضی از مناطق دنیا که مثل یک جاده صاف است و اگر اشتباهی صورت بگیرد، هزینه‌های زیادی خواهد داشت. من شرایط را به این ترتیب می‌بینم تماس‌های جدیدی را که بین دو کشور است یک اتفاق خوب ارزیابی می‌کنم. اما نمی‌خواهم زیاده‌روی کنم و بگویم ایران و ترکیه توانسته‌اند دیدگاه‌های خود را کاملا به هم نزدیک کنند چون کار ساده‌ای نیست و کلا وضعیت جغرافیایی دو کشور با هم و نگاهشان به مسائلی که در اطرافشان است فرق می‌کند. اگر اطراف ترکیه را بسنجیم، مسئله ارمنستان و آذربایجان و مسئله کُرد و سوریه و اسرائیل و فلسطین وجود دارد، بالاخره کشور و دولتی است با سابقه تاریخی. ترکیه در سیاست خارجی اهداف و برنامه‌هایی دارد و مسیری را طی می‌کند ما هم به‌همین‌ترتیب. می‌خواهم عرض کنم که خوش‌بینی باید حدی داشته باشد. مسئله سوریه و عراق اصلی‌ترین مسئله‌ای است که درحال‌حاضر زنده و در حال تپیدن است و هرروزه کشته می‌گیرد و هنوز روی میز است و طرفین درباره آن تفاوت دیدگاه دارند.

همان‌طور که شما گفتید مهم‌ترین مسئله‌ای که بین دو کشور وجود دارد، مسئله سوریه است و حتی در سفر اخیر هم آقای ظریف گفتند که اختلاف مواضع ما درمورد سوریه بر سر جای خود هست، این اختلاف نگاه را سال‌هاست که در مورد سوریه داریم، از سوی دیگر هم مسئله سوریه به یک بحران عجیب و پیچیده تبدیل شده است که باید حل شود. چگونه قرار است معادله سوریه حل شود به‌خصوص از منظر این دو کشور. تهران و آنکارا که نمی‌توانند تا ابد این اختلاف دیدگاه را داشته باشند و مدعی ایفای نقش مثبت هم در مورد ماجرا باشند؟

حل همه مسائل در منطقه به دست ایران و ترکیه نیست. برای اینکه پاسخم جامع‌تر باشد لازم می‌دانم متذکر شوم که در قضیه سوریه به‌جز این دو کشور، کشورهای دیگری را هم می‌بینیم که صاحب قدرت هستند مثل روسیه، آمریکا، اسرائیل و عربستان که آنها هم سهم دارند. نکته دوم اینکه تحولات سوریه در این مرحله و مقطع خیلی امیدوارکننده نیست شاید ما به دلیل رنجیدن از تصاویری که می‌بینیم خیلی مشتاق هستیم که راه‌حلی پیدا کنیم و ذهن و عاطفه ما تصور می‌کند که راه‌حلی ممکن است، اما واقعیت قضیه چنین نیست و اختلافات سنگین است، کسانی که در صحنه می‌جنگند با جان خود بازی می‌کنند. مثلا آن داعشی - فارغ از درست و غلط‌بودن- دارد با جان خود بازی می‌کند یا آن ایرانی یا پاکستانی و افغانی که در سوریه است هم به همین ترتیب، پس مسئله جدی است. از طرف دیگر مسئله‌ای که دنیا ناظر آن است و اجلاس‌های بین‌المللی که برگزار شده و مذاکرات معارضان با دولت روی میز است و... درمجموع نفس مذاکره و گفت‌وگو و اعلام مذاکره از جانب همه مثبت ارزیابی می‌شود، اما کسانی که اهل کار هستند می‌دانند که اینها مقطعی و کوتاه است و رسیدن به منزل مقصود نیست. فاصله‌های خیلی زیادی هست، اما همین هم یک قدم مثبت است. آنچه از مجموعه ادبیات دو کشور ایران و ترکیه هم بیرون می‌آید نشان‌دهنده همین واقعیت است و از هر قدمی استقبال می‌کنند. وقتی نشستی برگزار می‌شود استقبال می‌کنند اما در جای خودش هم تفاوت دیدگاه‌ها مطرح می‌شود؛ مثلا اینکه بشار اسد باید در آینده سوریه نقش داشته باشد یا نه که ظاهرا بین طرف‌های مختلف اختلاف هست یا قانون اساسی چه باید باشد. یا معارضان چه کسانی هستند که اختلاف سنگینی هم بین طرفین بر سر این موضوع هست. وجه دوم این است که آیا مسئله سوریه فقط آن چیزی است که در داخل مرزهای این کشور اتفاق می‌افتد؟ اصلا این‌گونه نیست. دعوای سوریه در زیر یک دعوای بزرگ‌تری است که در منطقه وجود دارد. دوقطبی‌گری شیعه و سنی در آن سهم دارد، وضعیت عراق در آن سهم دارد، نقش حزب‌الله در آن مؤثر است، اهداف جهانی روسیه که مثلا در اوکراین و دنیا چه می‌کند و سیاست‌های آتی آن و جدی‌بودن در صحنه بین‌الملل و بازگشت به دوران طلایی شوروی در مقابل قدرت آمریکا و... در مسئله سوریه سهم دارند و مسئله صرفا یک چیز مجرد و جدا نیست. هر کاری در سوریه انجام گیرد یک پای آن هم در عراق است، شیعه و سنی هم این‌سو هستند و هم آن‌سو، مسئله کردی هم این‌طرف است و هم آن‌طرف، در جریان سوریه مسائل کلان و جدی قضیه به همدیگر پیوند خورده‌اند.

حتی گفته شده سفر آقای ظریف به ترکیه، بعد از اعلام نظام فدرال از سوی کردهای شمال سوریه انجام شد. خود مسئله کردها چقدر این مسئله را پیچیده‌تر می‌کند؟

مسئله کردی موضوع بسیار مهمی است که باید به دقت به آن پرداخته شود. موضوعی که یک سابقه تاریخی دارد. عواملی بر قضیه کردی مؤثر هستند و دولت‌ها و حکومت‌ها و نقشه راهی که برای آن ترسیم شده است و به موازات تحولات سوریه و عراق و به موازات پدیدآمدن جریان داعش و آثار و عواقبی که این جریان افراطی بر کل جهان دارد و شعاع آن تا اروپا و آمریکا هم کشانده می‌شود. اما بستگی دارد به اینکه به قضیه کردی چگونه نگاه و آن را تحلیل کنیم. از منظر انسانی و حقوق‌بشری و منشور سازمان‌ملل ما در این منطقه مجموعه‌ای داریم که عمدتا در چهار کشور ایران، عراق، سوریه و ترکیه مستقر هستند که به اینها کرد گفته می‌شود، با جماعتی حدود ۳۰ میلیون نفر که دارای افکار متنوعی هستند در قالب احزاب و دسته‌جات و گروه‌ها که گاهی حتی مثل پ‌ک‌ک، پژاک و... مسلح و متشکل هستند و فعالیت می‌کنند. در این قضیه شما یک ادبیات واحد پیدا نمی‌کنید؛ چراکه یک گروه نیستند، دوم اینکه جریانات ثابتی نیستند؛ مثلا شما جریان کردهای سوریه را تا پنج سال پیش اصلا مشاهده نمی‌کردید، در حالی که الان جریانی هست که برای خود یک گروه نظامی دارد، آقای صالح مسلم بالاترین رهبر کردی سوریه در رسانه‌ها حضور پیدا می‌کند و درباره برنامه‌هایشان صحبت می‌کند. حتی صحبت از نظام فدرال می‌شود. در ترکیه هم کردها قضایای خودشان را دارند، برای عراق هم همین‌طور. اینها ملغمه‌ای است از مسائلی که شامل رقابت‌های منطقه‌ای از یک‌طرف می‌شود و رقابت‌های درون‌کردی از طرف دیگر. در یک‌طرف این معادله بارزانی است و طرف دیگر عبدالله اوجالان که صالح مسلم هم با اوست، طرف سوم این قضیه قدرت‌های جهانی و طرف چهارم هم بازی‌های تاریخی اسرائیل است با دخالت در قضیه کردی. وقتی همه اینها را درنظر بگیرید، یک معادله چند مجهولی بزرگ ایجاد می‌شود. وقتی این قضیه به مسائل داخل عراق مثل دعواهای اقلیم کردستان با مرکز، مرکز با اهل تسنن، حضور داعش و ادعاهای سایر عرب‌ها که در مورد ایران غیرعرب اضافه می‌شود، کلاف سردرگمی است که اجازه نمی‌دهد شما آینده خیلی روشنی برای آن منطقه پیش‌بینی کنید. گویا ما در میان جنگلی هستیم و در آن انواع خطرها هم هست منتها ساحل و حاشیه دیده نمی‌شود، چه در قضیه سوریه و چه در مسئله عراق و چه در مسئله کردی. یقین دارم هریک از این مسائل می‌تواند روی سایر مسائل هم تأثیر مثبت و هم تأثیر منفی بگذارد منتها در حال حاضر با مجموعه اطلاعاتی که من دارم چندان خوش‌بین نیستم و احساس می‌کنم که افق هنوز روشن نیست.

در بخش دوم این گفت‌وگو می‌خواهم به سفر آقای روحانی به پاکستان بپردازم. این سفر در هفته دوم نوروز انجام شد. ابتدا ارزیابی کلی‌تان را بفرمایید. به نظر شما این سفر دستاوری داشت؟

فکر می‌کنم برای پاسخ به این سؤال کمی زود است و اطلاعاتی که از این سفر به دستمان رسیده در حد بیانیه‌های کلی و اطلاعیه‌ها بوده است که اینها سفر را مثبت نشان می‌دهد، اما برای اینکه تصویر واقعی‌تری داشته باشیم نیازمند زمان بیشتری است تا بدانیم در پشت پرده چه گذشته است. در عالم سیاست بخشی روی صحنه است و اعلام عمومی می‌شود و گاهی بخش جدی آن‌که اهمیتش بیشتر است در پشت پرده است و به‌تدریج و به‌صورت قطره‌ای اطلاعات آن درز می‌کند.

> **پاکستان حاضر به تمکین جدی در مقابل عربستان نیست. این نقطه مثبتی برای ماست و این سفر می‌تواند برای ما فرصت تلقی شود. در اینکه هند و عربستان بخواهند به هم نزدیک شوند، با توجه به نوع رابطه‌ای که ما با عربستان داریم باز سفر پاکستان مثبت ارزیابی می‌شود. در ارتباط با علایق چین با پاکستان و پروژه‌های ۴۰ و۵۰ میلیارد دلاری چین در پاکستان هم این سفر مثبت ارزیابی می‌شود**

مایل هستم به این سفر از منظر شخصی خودم نگاه کنم؛ رابطه ایران و پاکستان در سال‌های اخیر تحت‌تأثیر عوامل مختلفی بوده است. در مجموعه منطقه شبه‌قاره، تحولاتی در حال وقوع است که فقط مختص شبه‌قاره نیست و آن تحولات ژئوپلیتیک است. ما در کل منطقه یک بازی داریم که بازی عربستان به منظور یارگیری است و در طول یک‌سال گذشته هم تلاش کرده از پاکستان به‌دلیل توانایی‌های نظامی و نیروی انسانی استفاده کند که این‌هم مسئله جدیدی نیست و در چند دهه‌ای که حداقل من آن را دنبال می‌کنم هرموقع که عربستان مشکل داشته، خواسته است از پاکستان به‌عنوان مخزن نیروهای نظامی خودش استفاده کند که موفق هم نبوده است. اما نگاه حکومت پاکستان به عربستان چیست، کشوری است که پول و انرژی دارد. از نظر جامعه مسلمان پاکستان مرکز دین در عربستان است

حتی نفت مورد نیازش را تضمین کرده است.

یک‌جور مکمل هم هستند، نیروهای انسانی که به آنجا می‌روند، کار می‌کنند و پول می‌آورند. چنین رابطه‌ای به صورت مثبت و خوب در چند دهه، بین هر دو کشور برقرار است، منتها این همه مسئله نیست. پاکستان از طرف دیگر همسایه ایران است و در چند دهه گذشته هرگاه اختلاف بین ایران و عربستان شدت گرفته پاکستان دچار مشکل شده است، چون هم ایران دوست و همسایه است، هم عربستان دوست و پولدار است و این را باید با هم جمع کند. سیاست‌مداران پاکستان سعی کرده‌اند با این مشکل کنار بیایند اما مطلب محدود به رابطه این سه کشور هم نیست، ما هند را هم داریم. هند حرکت‌های خودش را انجام می‌دهد که هفته گذشته سفر نخست‌وزیر هند به پاکستان انجام شد که حرکت معناداری است. از یک‌طرف می‌دانیم هند خواستار سرمایه است، «در هند بسازید» شعار اصلی نخست‌وزیر هند است که به هند پول بیاورید و در اینجا بسازید، در راستای این سیاست به دنبال جذب سرمایه کلان عربستان و خواستار انرژی عربستان هستند و موضوع برای هند از این لحاظ مهم است، همچنین حضور نیروهای زیاد کار هند در عربستان و پول‌های زیادی که به هند منتقل می‌کنند برای آنها مهم است، نکته بعدی این است که هند با تقویت رابطه‌اش با ریاض بتواند پشتوانه عربستان برای پاکستان را تحت‌تأثیر قرار دهد و اما نکته آخر که این را تکمیل می‌کند، چین است که بعد از چندین دهه که اولویت اقتصادی در رأس برنامه‌های کلان پکن بود، به‌تدریج دارد بازی‌های سیاسی خود را شروع می‌کند و مشاهده می‌شود که در حوزه شبه‌قاره هم متوجه این قضیه است و قدم‌هایی را برمی‌دارد. چین چهل‌وچند میلیارد دلار در پاکستان سرمایه‌گذاری خواهد کرد و این یک جریان اقتصادی صرف نیست و آثار سیاسی کلانی دارد و موردتوجه دهلی‌نو قرار گرفته است و هند را نگران می‌کند. در دنیای دوقطبی بعد از جنگ جهانی دوم و جنگ سرد، نوعی از دوقطبی در آنجا شکل گرفته است که در یک طرف هند و شوروی به شکل دقیقی با هم کار می‌کردند و طرف دیگر هم پاکستان و چین که یک ضربدر را ایجاد می‌کردند. به نظر می‌رسد در مرحله‌ای هستیم که در حال شکل‌گیری نظم جدیدی هستیم اما برای اینکه بگوییم چه خواهد شد، مقداری زود است. طرح‌های زیادی است که الان چین در دست اقدام دارد تا پیوند خود را با پاکستان تقویت کند. تلاش برای دسترسی به آب‌های گرم که در «گوادر» و از ۳۰ سال پیش و زمان ضیا الحق شروع شده، در کنار پروژه‌های مختلفی مثل «یک راه، یک کمربند» که خود چینی‌ها می‌گویند طرح بسیار بزرگی است که چین را به اروپا وصل می‌کند، در کنار چند پروژه دیگر مثل راه ابریشم دریایی، زمینی و... اینها طرح‌های آرزومندانه‌ای است که چین را در قالب یک قدرت جهانی تعریف می‌کند. قضایای شبه‌قاره در زیر این چتر برای چین تعریف می‌شود بنابراین چین هم رابطه خود با هند و بنگلادش و کشورهای دیگر نظیر پاکستان و افغانستان و عربستان و ایران را ذیل این سیاست کلی تنظیم می‌کند. برای نظردادن در مورد اینکه خروجی نهایی چه خواهد بود، هنوز زود است ولی ما می‌توانیم علامت‌هایی را ببینیم که چین کم‌کم حضور بیشتری در منطقه پیدا می‌کند. به هر تقدیر در چنین فضایی، سفر آقای روحانی به پاکستان صورت گرفته است. پاکستان حاضر به تمکین جدی در مقابل عربستان نیست. این نقطه مثبتی برای ماست و این سفر می‌تواند برای ما فرصت تلقی شود. در اینکه هند و عربستان بخواهند به هم نزدیک شوند، با توجه به نوع رابطه‌ای که ما با عربستان داریم باز سفر پاکستان مثبت ارزیابی می‌شود. در ارتباط با علایق چین با پاکستان و پروژه‌های ۴۰ و۵۰ میلیارد دلاری چین در پاکستان هم این سفر مثبت ارزیابی می‌شود. در ارتباط با پروژه درازمدت خط لوله گاز به پاکستان هم مثبت ارزیابی می‌شود. وقتی این مجموعه را کنار هم می‌گذاریم، نفس انجام سفر را موفق و مثبت می‌بینم. ممکن است در دل سفر قراردادهایی بسته شود مثل قراردادهای امنیتی مرزی یا قراردادهایی مرتبط با مسئله قاچاق، مسئله افغانستان، داعش و مسئله افراط که باید در آینده ببینیم چه مقدار در این زمینه توافق کردند.

برخی می‌گویند سفر آقای روحانی به پاکستان حتی منجر به عقد قرارداد بین طرفین هم نشد و فقط شش تفاهم‌نامه امضا شده است، از سوی دیگر آقای رئیس‌جمهور در صحبت‌های اولیه سفر به پاکستان گفت ما آماده‌ایم در مورد انرژی با هم همکاری کنیم. از سوی دیگر همراهی مقامات امنیتی و استاندار سیستان و بلوچستان این پیش‌فرض را ایجاد می‌کرد که در این سفر، قراردادهای امنیتی در مورد مرزها بسته می‌شود. اما آنچه در خبرهای رسمی وجود دارد این است که فقط شش تفاهم‌نامه امضا شده است. به نظر می‌رسد در این مورد چیزی پشت پرده وجود ندارد و اگر طرفین به توافقی رسیده بودند، حتما اعلام می‌کردند. از همین رو با توجه به شرایط ژئوپلیتیکی شبه‌قاره که خودتان ترسیم کردید چطور شما باز هم این سفر را مثبت می‌بینید؟ به نظر می‌رسد حوزه‌هایی که ما می‌خواهیم در آن نفوذ کنیم، حوزه‌هایی است که قبلا توسط چین، هند و عربستان پر شده و جایی برای ایران نمانده است که بخواهد کاری انجام دهد؟

اولا من قائل به این نیستم که کثرت تفاهم‌نامه و قرارداد نشان‌دهنده موفقیت سفر است؛ ما حتی داخل کشورمان هم داشتیم کسانی که ادعا می‌کردند به فلان‌جا رفتند و چندصد طرح راه انداخته‌اند و بعد دیدیم چه فجایعی به بار آوردند. در مورد کشورهای دیگر هم من به‌تجربه دیده‌ام که قراردادهایی نوشته می‌شود و براساس تفاهم‌ها قرار می‌گذارند اما این‌طور نیست که صرف امضای قرارداد نشان‌دهنده موفقیت یک سفر باشد.

در مورد آنچه بین ایران و پاکستان است، تردیدی ندارم که چنین سفری حتی اگر هیچ موافقت‌نامه‌ای هم امضا نشده باشد، سفر مثبتی است.

اجازه بدهید سؤالم را به شکل دیگری مطرح کنم، یکی از حوزه‌های بالقوه همکاری بین ایران و پاکستان، حوزه انرژی است. با توجه به نقشی که چین در پاکستان ایفا می‌کند و آنچه روی میز پاکستان می‌بینیم، حوزه خالی برای ایفای نقش ایران در حوزه انرژی باقی مانده است؟

ادامه در صفحه ۷

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی

ابتکار

● حسن روحانی: کنسرسیوم مشترک تولید سوخت هسته‌ای ایجاد شود
● مسعود ده‌نمکی: شهید آوینی هم یک «اخراجی» است
● وزیر کشور: عمر شورای سوم با تجمیع انتخابات نصف می‌شود
● رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات خبر داد: طرح ادغام دو وزارتخانه آموزش‌وپرورش و علوم‌وتحقیقات
● معاون مطبوعاتی و تبلیغاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی استعفا داد
● نایب‌رئیس مجلس: رویکرد بودجه امسال اشتغال است
● صفایی‌فراهانی، معاون دبیرکل جبهه مشارکت: برای ایجاد اتحاد ملی باید امکان فعالیت گروه‌های سیاسی فراهم شود
● سخنگوی جبهه پیروان خط امام و رهبری: جامعه در انتخابات مجلس هشتم نیازمند اتحاد ملی است
● اسدالله بادامچیان: دولت باید فضای نقدهای منصفانه را باز کند

جمهوری اسلامی

● طنین الله‌اکبر و شعار مرگ بر آمریکا در خانه ملت
● نوری مالکی: درخواست برای خروج نظامیان آمریکا از عراق حقی مشروع و محترم است
● آقازاده: سایت نطنز تا دو سال آینده به ۵۰ هزار سانتریفیوژ مجهز می‌شود
● نرخ دیه به ۳۵ میلیون تومان افزایش یافت
● مرکز پژوهش‌های مجلس پیش‌بینی کرد: امسال تورم ۲۳ درصد، رشد نقدینگی ۴۱ درصد
● سخنگوی قوه قضائیه: وزارت اطلاعات تا ۱۵ اردیبهشت نتیجه تحقیقات پیرامون فرار شهرام جزایری را اعلام می‌کند
● یورش صهیونیست‌ها به مسجدالاقصی

کیهان

● رئیس سازمان انرژی اتمی اعلام کرد: برنامه بعدی ایران نصب ۵۴ هزار سانتریفیوژ
● وزیر نفت: قرارداد ۱۰۰میلیارددلاری چین با ایران به‌زودی نهایی می‌شود
● معاون ناجا: ۸۶ درصد مردم خواهان برخورد با بدحجابی هستند
● مدیرمسئول کیهان: سهم هرکس را در دنیای امروز به اندازه قدرتش می‌دهند، نه توان چانه‌زنی
● وزارت خارجه روسیه: سفر ذوالقدر به مسکو نقض قطع‌نامه شورای امنیت نبود
● سخنگوی وزارت خارجه آمریکا: آماده حل موضوع هسته‌ای ایران از طریق دیپلماتیک هستیم
● سفیر عراق: دولت مالکی برای آزادی دیپلمات‌های ایران تلاش می‌کند

اعتماد

● بهمن کشاورز از ریاست کانون وکلا استعفا داد
● میلیون‌ها دلار سود ایران از بحران ملوان‌ها
● طرح تجمیع انتخابات بعد از مجلس دامنگیر شورای شهر شد
● تصویب یک فوریت طرح تغییر ساعت رسمی
● فدایی و توکلی اعلام کردند: تلاش اصولگرایان برای اجماع انتخاباتی
● سخنگوی قوه قضائیه: هیچ معلمی در ایام عید بازداشت نبود
● اعتراض انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به قتل روزنامه‌نگار افغان
● عذرخواهی طالبانی از ترکیه
● بروجردی: بستر مذاکرات آماده است

اطلاعات

● وزارت نیرو برنامه آبگیری سد سیوند در سفر آتی رئیس‌جمهوری به استان فارس را تکذیب کرد
● از سوی دکتر حسن روحانی در مجمع جهانی اقتصاد ارائه شد: طرح ایران برای همکاری، امنیت و توسعه در منطقه خلیج‌فارس
● دموکرات‌ها پیشنهاد بوش را برای گفت‌وگو درباره بودجه جنگ علیه عراق رد کردند
● احتمال سفر دبیر کل سازمان ملل به ایران
● رئیس مجلس: از تفکیک اراضی روستایی جلوگیری می‌شود

ایران

● متکی: تعلیق، موضوعی است که از آن عبور کرده‌ایم و طرف‌های مقابل نیز باید در فضای واقعیات جدید حرکت کنند
● مذاکرات هیأت روسی درباره نیروگاه بوشهر در تهران آغاز شد
● حدادعادل: سخن مجلس، سخن دولت است و مجلس از موضع دولت در موضوع هسته‌ای حمایت می‌کند
● وزیر کشور: در صورت تجمیع انتخابات دور آینده ریاست‌جمهوری با شوراها، عمر شورای سوم به نصف تقلیل پیدا می‌کند